

مسئولیت ناشی از تولید و عرضه سیگار

دکتر ناصر کاتوزیان*

استاد گروه حقوق خصوصی و اسلامی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۱۳۸۵/۱۱/۲۳ تاریخ تصویب: ۱۳۸۶/۷/۲)

چکیده:

از دیر باز گفته شده است که تأمین سلامت و بهداشت عمومی در زمره مهم‌ترین وظایف دولت است. ابزار اجرای این وظیفه حیاتی، استفاده از قانون‌گذاری مناسب برای منع سوداگران از تجاوز به قواعد اخلاقی و تمهیدهای لازم به منظور بهبود شیوه زندگی در اجتماع است. وظیفه تأمین بهداشت عمومی چندان به نظم عمومی وابسته است که به بهانه اقدام داوطلبانه اشخاص نیز نمی‌توان از آن طفره رفت و قربانیان بیگناه را در برابر کالاهای زیانبار بی‌پناه گذارد. از سوی دیگر، بیش از نیم قرن است که زیان استعمال و اعتیاد به سیگار ثابت شده و مقام‌های بهداشتی بارها اعلام کرده‌اند که دود سیگار خطر ابتلاء به انواع بیماری‌ها را، حتی برای هم‌نشینان معتادان، افزایش می‌دهد. با وجود این، مبارزه با این پلیدی به دلیل ملاحظات اقتصادی و نفوذ سوداگران، متناسب با خطرهای سهمگین آن نیست. به همین جهت، مطالعه شیوه‌های مبارزه و کارآیی حربه قانون‌گذاری و تمهیدهای اجتماعی از ضرورت‌های زندگی کنونی است که در این تحقیق به آن پرداخته می‌شود تا از تجربه‌ها پند آموزیم و عبرت بگیریم.

واژگان کلیدی:

مسئولیت - ضمان ناشی از اعتیاد به سیگار - تولید و عرضه سیگار - اعتیاد به سیگار -
مسئولیت محض تولید کننده سیگار - قاعده اقدام -

* فاکس: ۶۶۴۰۹۵۹۵

برای اطلاع از دیگر مقالات منتشر از این نویسنده در همین مجله، به صفحه پایانی این مقاله نگاه کنید.

تقسیم موضوع:

موضوع مسئولیت ناشی از تولید و عرضه سیگار در دو بخش اصلی ارائه می‌شود: بخش نخست به طرح مسأله و اشکال حل آن و ویژگی این تولید اختصاص دارد. در این بخش، عنوان‌ها به خطرهای بهداشتی دود سیگار و دشواری‌های اقتصادی تحریم سیگار و ناکارایی قانون و مجازات می‌پردازد و به اختصار درباره امکان اجرای قاعده اقدام سخن می‌گوید.

بخش دوم، محل طرح راهکارهای حل اشکال است و در آن از دخالت مستقیم و غیرمستقیم قانون و تمهیدهای اجتماعی برای کاستن از شیاع استعمال و اعتیاد به سیگار بحث می‌شود و سرانجام نقش رویه قضایی در جمع قاعده اقدام با نظم عمومی، به عنوان نتیجه بحث، ارائه خواهد شد.

بخش نخست: طرح مسأله و اشکال

طرح بحث:

موضوع خطرهای ناشی از دود سیگار با قواعد عمومی مسئولیت ناشی از تولید معیب قابل رسیدگی و طرح نیست. زیرا، این گونه خطرها به عیب تولید ارتباط ندارد و ناشی از ذات این محصول است. تولید سیگار در بهترین شکل و شیوه متعارف نیز خطرآفرین است و نباید آن را با تولید کالای معیبه که در اثر عیب خطرناک شده اشتباه کرد. بی‌گمان، هر دو تولید از جهت ایجاد خطر هماننداند. تفاوت در این است که خطر نخست ذاتی است و به بی‌مبالاتی در جریان تولید ارتباط ندارد، در حالی که خطر کالای معیب عرضی و ناشی از بی‌مبالاتی در پرهیز از خطرهای احتمالی و تأمین ایمنی مصرف آن در فرآیند طرح و تولید کالا است؛ کالایی که می‌توانست بی‌خطر باشد یا خطر آن از مرز متعارف فرا نرود.

تولید کالای خطرناک، به دلیل ذاتی بودن خطر کالا، قابل تبدیل به کاری بی‌خطر نیست: با همه پیشرفت‌هایی که صنایع هواپیمایی و خودروسازی و سایر وسایل حمل و نقل کرده است، هیچ‌کس نمی‌تواند منکر خطرهایی شود که استفاده از این ابزارها به بار

می‌آورد. صنعت خوب و سالم خطر ناشی از استعمال را کاهش می‌دهد، ولی زیان‌های این اقدام را از بین نمی‌برد. امروز بسیاری از داروها آثار منفی و جانبی مضر دارد که احترازناپذیر می‌نماید، لیکن در اباحه تولید آنها و تجویز پزشک هیچ تردیدی وجود ندارد (فرانکلین و رابین، ۵۳۵، p. Tort Law and Alternatives).

تمییز اباحه یا منع تولید این‌گونه کالاها با معیارهای بیرونی، مانند درجه نیازها و هزینه‌ها، انجام می‌شود نه مرغوب بودن تولید. اگر منافع کالایی بیش از زیان‌های آن باشد، تولید آن مباح است و خطر ناشی از این اقدام زیر پوشش «متعارف» ندیده گرفته می‌شود.

ولی، هرگاه خطرها و زیان‌های کالایی از منافع آن بیشتر باشد، تولید آن ممنوع می‌شود: به عنوان مثال، حرکت کامیون‌های حامل مواد سوختنی و قابل انفجار (مانند بنزین و نفت) در بزرگراه‌ها کاری است خطرناک که بیش از حد متعارف احتمال ورود خسارت را زیاد می‌کند، ولی آیا می‌توان به دلیل این خطر از ساخت کامیون حامل بنزین خودداری کرد؟ همچنین، ممکن است تجویز دارویی خطرناک برای درمان بیماری خاص ضروری باشد و پزشک ناگزیر از این دستور شود.^۱

با وجود این، این پرسش باقی است که، آیا در برابر خطر نامتعارف و بزرگی که این صنعت و خدمت ایجاد می‌کند، عادلانه است که تولیدکننده مسئولیت بیشتری را به عهده گیرد و ضمان خساراتی که به بار می‌آید منوط به تقصیر او نشود؟

تصمیم در این باره به سیاست حقوقی و اقتصادی دولت ارتباط دارد، ولی تجربه تاریخی نشان می‌دهد که قوانین و اندیشه‌ها در نخستین گام به مسئولیت ناشی از کالای خطرناک پرداخته‌اند و پس از آن به تولید معیب رسیده‌اند، بدین اعتبار که عیب در تولید نیز محصول را تبدیل به کالای خطرناک می‌کند. به بیان دیگر، این واقعیت را

^۱ - اعلامیه حقوقی (Restatement II, 402 A) و دادگاه‌های آمریکا اتفاق نظر دارند که، اگر کالای خطرناک و مفیدی به بازار عرضه شود و خطر احترازناپذیر باشد، مانند واکسن خطرناک، قواعد مسئولیت محض در تولید آن رعایت نمی‌شود: امانوئل و بیهار، مسئولیت مدنی، ص ۳۳۱ - ناصر کاتوزیان، مسئولیت ناشی از عیب تولید، ش ۹۳، ص ۱۵۶.

همگان دریافته‌اند که پرهیز از خطر به مراتب موثرتر از جبران خسارت ناشی از وقوع حادثه است و باید در مرحله نخست به آن پرداخت و جبران خسارت را بدل این مهم قرارداد.

پس از این مقدمه عمومی، اکنون باید این پرسش را مطرح ساخت که،
 (۱) آیا سیگار و سایر فرآورده‌های توتون در زمره کالاهای خطرناک است؟
 (۲) آیا فواید آن به گونه‌ای است که خطر ناشی از استعمال توتون و اعتیاد به آن را خنثی کند و اباحه تولید توتون را احترازناپذیر سازد؟
 (۳) آیا رویه قضایی قادر است، با وجود اقدام داوطلبانه سیگاریان، باز هم به مسؤولیت تولیدکننده تکیه کند؟

خطرهای بهداشتی دود سیگار:

مبارزه با اشاعه اعتیاد به سیگار و مفساد اقتصادی و زیان‌های بهداشتی آن یکی از مهم‌ترین مباحث اجتماعی نیم قرن اخیر شده است: پزشکان بارها هشدار داده‌اند که سیگار کشیدن سبب اعتیاد و وابستگی به مواد مخدر می‌شود و اعتیاد به سایر مخدرها از سیگار کشیدن آغاز می‌شود. همچنین، هشدار داده شده است که این اعتیاد سبب انواع بیماری‌های خطرناک، از جمله سرطان دهان و زبان و سرطان ریه و پروستات و کبد و خونریزی لثه‌ها و سگته‌های قلبی و مغزی و نابینایی، می‌شود:

به عنوان مثال، آخرین آمارها نشان می‌دهد که در آمریکا سالیانه ۴۳۴ هزار تن در اثر این اعتیاد جان خود را از دست می‌دهند. در انگلستان نیز هر سال ۱۶۰۰۰۰ تن در اثر استعمال توتون و در نتیجه سرطان و سگته قلبی می‌میرند که چهل هزار تن در اثر سرطان کبد و ۱۲۰۰۰۰ تن به دلیل حمله قلبی است. (Olsson, 1994, P.3, and Harvard Law Review, P.359)

یکی از وکلای شاکیان به صراحت اعلام کرد: «ما ثابت می‌کنیم که صنعت تولید توتون توطئه کرده است شما را به چنگ آورد و نگاه دارد و بکشد.»^۱

^۱ - "We will prove that the Tobacco industry has conspired to catch you, hold you and kill you" (op.cit).

به گفته پزشکان، زیان‌های مخرب سیگار محدود به معتادان و استعمال‌کنندگان آن نمی‌شود. فرزندان خانواده و همکاران آنان نیز در معرض همان خطرهای سیگاریان هستند. برطبق آخرین بازیاافته‌های پزشکی، که به وسیله مأمور ارشد بهداشتی و پزشکی آمریکا، ریچارد کارمونا، اعلام شده است، سالیانه پنجاه هزار نفر در آمریکا، در اثر همنشینی با سیگاریان کشته می‌شوند و به ویژه فرزندان سیگاریان بیش از همه در معرض خطر هستند. (Maugh and Cline, 2006) این مقام دولت فدرال (sergean General) افزود که درباره ضررهای دود سیگار برای دیگران بحث پایان پذیرفته و هیچ تردیدی در آن نیست. پس، برای پرهیز از این خطر هیچ راهی جز ممنوع ساختن سیگار کشیدن در اماکن عمومی وجود ندارد؛ چنانکه در کالیفرنیا و پانزده ایالت دیگر اعمال می‌شود. برطبق آمارهای منتشر شده، در معرض دود سیگار قرار گرفتن سی درصد خطر حمله قلبی و سرطان را افزایش می‌دهد. حتی اگر موقت و کوتاه هم باشد، مخاطره‌های قلبی و ریوی زیادتر می‌شود.^۱

شرکت‌های تولیدکننده در آغاز رابطه علمی میان اعتیاد به سیگار و بیماری‌های گوناگون را منکر می‌شدند و حتی اصل اعتیاد به نیکوتین را انکار می‌کردند، ولی شمار شاکیان چندان بالا گرفت و تحقیقات انجام شده در دادرسی‌ها به اندازه‌ای تکرار شد که دیگر انکار اعتیاد و زیان‌های آن حربه مفیدی برای دفاع به حساب نیامد. تولیدکنندگان نیز به ناچار خطر اعتیاد را پذیرفتند و دفاع خود را به تمهیدهای حقوقی و اجتماعی محدود ساختند.

در دعاوی متعددی که بر تولیدکنندگان سیگار اقامه شد، این نتیجه نیز به دست آمد که اینان به عمد، موادی به توتون می‌افزایند که سبب اعتیاد شود و مصرف‌کننده را

^۱ - در ایالات متحده آمریکا، نخستین بار در ۱۹۶۴ مقام ارشد بهداشتی، گزارش معروف خود را که اعلام می‌کرد «سیگار عوارض خطرناکی به دنبال دارد» صادر کرد و این تاریخ مقارن با زمانی است که در اعلامیه دوم مسئولیت مدنی (Restatement 2d of Torts Liability) برای تولید محصول معیب مسئولیت محض پیشنهاد شد، ولی در تفسیر ماده ۴۰۲ A توتون در زمره این کالاها قرار نگرفت: استیفن شوگرمن، جنگ سیگار،

پای‌بند سازد. بر همین مبنا است که یکی از وکلای شاکیان گفته بود: «ما ثابت می‌کنیم که کارخانه تولید توتون توطئه کرده است که شما را به چنگ آورد و نگاهدارد و بکشد».

مقام‌های اداری و بهداشتی آمریکا نیز در این تحول و افشاگری تأسفبار رویه قضایی را یاری کردند: دکتر داوید کسلر اعلام کرد که: «نیکوتین عامل مهم اعتیاد در سیگار است و تولیدکنندگان میزان لازم برای اعتیاد مصرف‌کننده را در نظر دارند، یعنی به عمد میزان نیکوتین سیگار را چنان تعیین می‌کنند که باعث اعتیاد شود» (Olsson, P.4). رسوایی جنگ سیگار بدان جا کشید که اداره تغذیه و دارویی آمریکا (F.D.A) اکنون این مسأله را بررسی می‌کند که آیا نیکوتین را باید در زمره مواد مخدر اعتیادآور شمرد و سیگارهای عرضه شده را جمع کرد یا نه؟

در کنار این جنبش قضایی و اداری برضد تولید توتون، اندیشه‌های حقوقی نیز در این حرکت همگام با دیگران شدند. اینان، خواستار مسئولیت محض تولیدکننده سیگار در برابر قربانیان اعتیاد شدند و حتی پیشنهاد کردند که نیکوتین در شمار مواد مخدر در آید و تولید سیگار ممنوع شود. (Olsson, P.2; Sugermam. P.1)

بدین ترتیب، از سال ۱۹۲۵، که برطبق کتاب فردریک هوفمن و گزارش بررسی سرطان سانفراسیسکو رابطه سرطان و سیگار احراز شد، تاکنون بارها خطرناک بودن محصول توتون در دعاوی قربانیان سیگار احراز شده است، چندان‌که تولیدکنندگان سیگار نیز دست از لجاجت برداشته‌اند و زیان‌آور بودن محصول خود را پذیرفته‌اند.

فردگرایی افراطی و قاعده اقدام:

با وجود خطرهای انکارناپذیر سیگار، دادگاه‌ها از پذیرش مسئولیت محض تولیدکنندگان ابا دارند: دلیل این بی‌میلی یا دست‌کم آنچه در این باره اظهار می‌شود، تفاوت خطر ذاتی کالا با خطر ناشی از عیب است. می‌گویند، برحسب متعارف، عیبی در محصول توتون دیده نمی‌شود و خطر سیگار ذاتی است نه عرضی و ناشی از عیب، پس نباید حکم محصول معیب را در این باره اجراء کرد.

از سوی دیگر، سیگاریان به میل و اراده خویش این محصول بی‌عیب را مصرف می‌کنند و در اثر افراط در این زمینه بیمار می‌شوند: به بیان دیگر، خطری که مصرف‌کننده را تهدید می‌کند ناشی از اقدام خود او است نه تولیدکننده. تولید توتون فعالیت نامشروعی نیست تا از این جهت بتوان تقصیری را به تولید نسبت داد.

در نتیجه، برای صدور حکم به خسارت، باید در پی احراز تقصیری در تولید یا تکلیف هشدار به خریدار بود و نمی‌توان، قطع نظر از تقصیر و تنها به دلیل زیان‌آور بودن محصول، حکم به مسئولیت تولیدکننده داد. این‌گونه استدلال‌ها سبب شد که، ویلیام پراسر (Prosser) استاد دانشگاه برکلی و گزارشگر اصلی اعلامیه حقوقی مسئولیت مدنی، در تفسیر ماده 4.2A با اطمینان بنویسد که: «توتون خوب، تنها به این دلیل که کشیدن سیگار می‌تواند زیانبار باشد، خطر نامتعارف نیست».

قید نامتعارف برای خطر در این جمله، به اعتبار مباح بودن تولید کالایی است که خطر متعارف دارد و در جامعه پذیرفته شده است: مانند خطر وسایل نقلیه موتوری و داروها. ضابطه در تمییز متعارف بودن خطر در حقوق آمریکا، فزونی فایده کالا بر زیان‌های آن است: اگر استعمال کالایی چندان لذت‌بخش یا سبب آسایش باشد که زیان آن در دید عرف بی‌مقدار یا قابل تحمل جلوه کند و مردم آن را ضروری ببندند، خطر آن متعارف و قابل اغماض است، ولی آیا سیگار و سایر فرآورده‌های توتون از این‌گونه است؟

شاید در زمان تدوین اعلامیه دوم، تبلیغات دامنه‌دار شرکت‌های تولیدکننده در فیلم‌ها و نمایشنامه‌ها و پوستره‌های رنگارنگ چنین وانمود کرده باشد که سیگار کشیدن تفننی دل‌انگیز و لازمه زندگی صنعتی است، ولی امروز این داوری دگرگون شده است. متعارف یا معقول بودن خطر سیگار با معیار آمریکایی شناخت مفید و مضر نیز سازگار به نظر نمی‌رسد، چرا که خطر سیگار کشیدن به مراتب بیش از منافع و لذت آن است. پس، چنین کالایی بر طبق قواعد باید خطرناک اعلام شود؛ خطری که نامعقول و نامتعارف است و تنها نفوذ سرمایه‌های تولیدکنندگان سیگار مانع از شناخت مسئولیت محض آنان شده است.

با وجود این، دادگاه‌ها نیز خود را مأمور شناخت کالاهای ممنوع نمی‌بینند. استدلال مرسوم اینان، که با عبارت‌های گوناگون بیان شده است، چنین خلاصه می‌شود: کالایی را که ساخت و عرضه آن مباح و قانونی است و مردم در انتخاب مصرف آن آزادند، اگر کسی به میل خود آن را مصرف کند و زیان ببیند، نمی‌توان معیب و سبب ضمان تولیدکننده شمرد.

این فردگرایی افراطی که، در تمیز سبب خسارت، بیشتر بر زیان‌دیده و استقبال او از خطر تکیه می‌کند تا به مصالح اجتماعی، براین اصل فلسفی استوار است که انسان آزاد می‌تواند شیوه زندگی خود را انتخاب کند و جز به رضای خویش پای‌بند نمی‌شود. ولی جهان کنونی و ضرورت همبستگی اجتماعی ایجاب می‌کند که معیار ارزش‌ها، به جای انسان آزاد، انسان اجتماعی قرار گیرد. انسان اجتماعی تنها به خویش تعلق ندارد؛ عضوی از پیکر اجتماع نیز است و می‌داند که چون او به رنج و درد افتد، دیگران نیز از آن آسیب می‌بینند. پس اجتماع حق دارد که بابت سهم خود در کار این موجود آزاد دخالت کند و دست‌کم به خاطر آزادی دیگران از آزادی او بکاهد.

قاعده اقدام را نیز براین مبنا باید تعدیل کرد و صدمه به خود را مجاز نشمرد و نقش آن که تیغ را به کف انسان آزاد نهاده و او را تشویق به خودزنی کرده است فراموش نکرد. به‌ویژه، در فرضی که زورمندی آگاه و طمع‌ورز از سادگی و جهالت دیگری سوءاستفاده کرده است، باید فریبنده را در سلسله سبب‌ها مقدم بر مباشر شمرد؛ چنان‌که در مورد جمع اتلاف و تسبیب، قانون مباشر را مسؤول می‌داند، ولی قوت تسبیب را نیز از یاد نمی‌برد و زمینه‌ساز قوی‌تر را بر مباشر ترجیح می‌دهد.

وضع تولیدکننده و فریبنده در رابطه با قربانیان مختار نیز در حکم رابطه مباشر و مسبب است، به ویژه که در این زمینه بیشتر نوجوانان طعمه‌های اصلی غول‌های سرمایه‌دار هستند؛ قشری که زودتر فریفته می‌شوند و کمتر به دوراندیشی می‌پردازند و لذت زودگذر را بزرگترین ارزش می‌پندارند.

اگر قاعده اقدام بتواند بر همه مسؤولیت‌ها حاکم شود، این قاعده را در مورد همه مواد مخدر و از جمله هروئین و حشیش و کوکائین نیز باید اجرا کرد؛ باید کسی را که

در مبارزه تن به تن دیگری را بر مبنای قرارداد با او کشته است مقصر نشمرد و مسئولیت کسی را که به خواهش دیگری او را به قتل رسانده است فراموش کرد. ولی، آیا رضای به چنین فاجعه‌ای میسر است؟ پس، عادلانه است که تولیدکننده سیگار، به عنوان سبب قویتر، در برابر سود سرشاری که از این تولید می‌برد، مسئول پیامدهای ناگوار آن قرار گیرد.

در مورد قاعده اقدام نیز باید پذیرفت که، همان‌گونه که نظم عمومی به عنوان عامل محدودکننده بر همه قراردادهای خصوصی حاکم است (ماده ۹۷۵ ق.م) از قلمرو قاعده اقدام نیز می‌کاهد. به بیان دیگر، هر جا که اعمال این قاعده با نظم عمومی برخورد می‌کند، باید مصلحت عمومی و نظم را مقدم داشت.

در جنگ سیگار نیز، این دفاع که، چون قربانیان این محصول خانمان برانداز به زیان خویش اقدام کرده‌اند، باید از گرفتن خسارت محروم بمانند، با نظم عمومی (لزوم حمایت از شهروندان در برابر آسیب‌ها) منافات دارد و کارآیی مرسوم خویش را از دست می‌دهد.

بخش دوم: راه‌حل‌های اشکال

۱. اقدام‌های احتیاطی و بازدارنده:

چنانکه گفته شد، نفوذ فردگرایان افراطی همراه با ملاحظات اقتصادی سبب شده است که واکنش نظام‌های حقوقی در برابر خطر سیگار قاطع و مستقیم نباشد و چهره غیرمستقیم و فرعی پیدا کند: بدین معنا که، به جای منع تولید توتون یا دست کم پذیرش صریح مسوولیت محض تولیدکننده در برابر زیان‌های ناشی از استعمال و اعتیاد به آن، به تمهیداتی روی بیاورد که از رغبت جوانان به استعمال این ماده زیانبار بکاهد و معتادان را تشویق به ترک آن کند: مانند تبلیغ مخالف در رسانه‌ها، ممنوع ساختن کشیدن سیگار در اماکن عمومی، هواپیما، اتوبوس و راه‌آهن، اختصاص مکانی پست و تحقیرآمیز به سیگاری‌ها در رستوران‌ها و هتل‌ها، یادآوری مکرر زیان‌ها و نتایج کشیدن سیگار، بستن عوارض و مالیات سنگین به بهای سیگار... و مانند اینها.

این موضع نیز از جهتی قابل دفاع است: ممنوع ساختن تولید سیگار به تنهایی از شیاع استعمال آن نمی‌کاهد و تنها به بازار سیاه این محصول رونق می‌بخشد. این تجربه در مورد مبارزه با تریاک و فرآورده‌های گوناگون آن به دست آمده است که مجازات و ممنوعیت حقوقی، اگر همراه با مبارزه فرهنگی با اصل اعتیاد نباشد، نتیجه مطلوب را نمی‌دهد و چه بسا برآتش اشتیاق داوطلبان بیفزاید. به همین دلیل، کشوری مانند هلند، منع قانونی را از خرید و فروش مواد مخدر برداشته است، بدین امید که از جاذبه اعتیاد بکاهد و آن را کاری مبتذل و ساده جلوه دهد، و مدعی است که از این تمهید نتیجه مورد انتظار را گرفته است.

بی‌گمان، این تجربه هنوز کافی نیست و از نظر علمی رابطه علیت میان تمهید دولت هلند با کاهش شمار معتادان احراز نشده است، چرا که تقارن دو عامل دلیل رابطه علت و معلولی میان آنها نیست.

کیفر فروشندگان مواد مخدر نیز به تنهایی این بلا را دفع نمی‌کند، ولی اثر آن را هم نمی‌توان انکار کرد. وانگهی، بر فرض که چنین نتیجه‌ای در هلند به دست آمده باشد، این تجربه دلیل نمی‌شود که در ایران یا افغانستان نیز همان اثر را به بار آورد. اکنون نگاهی گذرا به این گونه تمهیدهای فرهنگی و حقوقی در آمریکا داریم تا اثر هر کدام و بازتاب‌های اجتماعی را در این باره ملاحظه کنیم:

در آمریکا، واکنش‌های غیرمستقیم حقوقی و اجتماعی در برابر پدیده اعتیاد به سیگار سابقه طولانی دارد، ولی تا سالیانی دراز هیچ پولی بابت خسارت به زیان‌دیدگان پرداخته نشد. رویه قضایی بر موضع فردگرایی خود پا فشرد و به کندی به تحول تن داد. این تحول نیز از تمهیدهای حقوقی آغاز شد، بدین شرح:

۱. در ۱۱ ژانویه ۱۹۶۴، یعنی همان سالی که مقام ارشد پزشکی و بهداشتی نظر به خطرناک بودن دود سیگار داد، قانون فدرال عرضه‌کنندگان سیگار را موظف کرد که در برچسب بسته‌های عرضه شده هشدار دهند که استعمال این محصول خطرناک است و احتمال دارد سبب آسیب جسمی شود. ولی، این هشدار اثر اندکی از خود به جای نهاد: جوانان، برای بهره‌مند شدن از لذت زودگذر استعمال سیگار و تظاهر به قدرت و

بلوغ، اعتنایی به خطرهای احتمالی آن نکردند و همچنان به دام اعتیاد افتادند؛ به ویژه که تبلیغ‌های غیرمستقیم شرکت‌های تولیدکننده و افزودن طعم و عطرهای گوناگون بر جذب آن می‌افزود.

رفته رفته استقبال از خطر سیگار کشیدن، به عنوان نشانی از بزرگ‌منشی، عامل فریبنده دیگری برای جذب جوانان شد.

وکلاهای شرکت‌های تولیدکننده نیز از این متن قانونی به سود موکلان خود و به منظور رد ادعای خسارت قربانیان اعتیاد استفاده شایان کردند. اینان مدعی شدند که اجرای قانون لزوم هشدار به مصرف‌کنندگان، تولیدکننده را از اتهام اضرار تبرئه می‌کند. دادگاه‌ها نیز قانع شدند که این اخطار کمترین و درعین حال بیشترین احتیاطی است که عرضه‌کنندگان سیگار به حکم قانون ملزم به آن هستند.

در دعوای توماس سیپولون (Tomas Cipollone V. Liggett group Inc)، در سپتامبر ۱۹۸۷ دادگاه استیناف فدرال در بوستون نظر داد که هشدار الزامی در بر چسب سیگارها تولیدکننده را در برابر سه میلیون دلار خسارتی که مطالبه شده حمایت می‌کند و مانع صدور حکم به سود زیان‌دیدگان می‌شود (Emanuel, 2005, 360-368).

دادگاه‌های استیناف جورجیا و آتلانتا نیز آرا مشابهی صادر کردند و دیوانعالی فدرال نیز به همین سو رفت. بدین ترتیب، تولیدکنندگان سیگار را در پناه هشدار قانونی خطر استعمال سیگار قرار دادند (Olsson, P.2).

در نتیجه، ابزاری که به منظور حمایت از قربانیان به کار گرفته شده بود، به زیان آنان به کار رفت و چتر حمایت از ظالمان شد.

نتیجه دیگری که از رأی دیوانعالی در دعوای Thomas Cipollon v. Liggett and Meyers گرفته شد این بود که قانون فدرال حداکثر هشدار ضروری به مصرف‌کنندگان سیگار است و ایالت‌ها ضمن قوانین داخلی خود حق ندارند عبارت یا هشدار بیشتری را بر عرضه‌کنندگان سیگار تحمیل کنند.

۲. دیوانعالی نیوجرسی در مارس ۱۹۹۴ مقرر داشت که، شهرداری‌ها می‌توانند ماشین‌های خودکار فروش سیگار را ممنوع کنند. در توجیه این حکم، که در پی تصمیم

شهرداری به جمع‌آوری این ماشین‌ها و اعتراض صاحبان آنها صادر شد، گفته شده است که، از این ماشین‌ها کودکان نیز می‌توانند آزادانه سیگار بخرند و بدین‌وسیله به قانون ایالت، درباره منع فروش سیگار به کودکان، تجاوز کنند. پس، ممنوع ساختن ماشین‌های فروش سیگار، لازمه پیشگیری از وقوع جرم فروش سیگار به کودکان است.

۳. قانون ۱۹۹۳ نظارت بر کارخانه‌های تولید سیگار را در صلاحیت (F.D.A.) قرار داد. از این پس به وسیله این مقام نظارتی بر داروهای اعتیاد آور، مقرراتی وضع شد که از گسترش اعتیاد تا حد ممکن بکاهد: از جمله، فروش سیگار به جوانان کمتر از ۱۸ سال ممنوع گشت. کارخانه‌های تولید سیگار موظف شدند تمام موادی را که در تهیه سیگار به کار رفته است، از جمله ارسنیک و سیانیک، را اعلام کنند و اعتیادآور بودن سیگار را فاش سازند. همچنین، مقرر شد تولیدکنندگان با پرداخت درصدی از فروش به عنوان مالیات، هزینه اجرای طرح‌های احتیاطی را به عهده گیرند.

بر طبق آماري که استارک (Pete Stark) نماینده جمهوری خواه کنگره داده است، هزینه درمان بیماران سیگار کشیدن برای دولت آمریکا (Medicare and Medicaid) سالیانه حداقل ۷/۵ بیلیون دلار می‌شود؛ هزینه‌ای که تولید سیگار به بار می‌آورد و باید به وسیله تولیدکنندگان جبران شود.

باید افزود که اقدام‌های فرعی انجام شده به طور محسوس از شمار معتادان به سیگار کاسته است: مطابق آمار رسمی مقام‌های بهداشتی، شمار معتادان از ۴۲/۴ درصد در ۱۹۶۵ به ۲۰/۹ درصد جمعیت (۴۳/۵ میلیون) کاهش یافته است. (Maugh and Cline, P.17A)

۲. دخالت مستقیم قانون‌گذار

یکی از مسؤولیت‌های حکومت در قرارداد اجتماعی حفظ سلامت عمومی به وسیله وضع قانون است. (Hoge and Eber, 2004) سیسرون اعلام کرد که ایمنی و سلامت قانون برتر است. (Salus Populi suprema Lex esto; op., No. 516) دیسرایلی نیز اعلام می‌کرد که حمایت از سلامت و بهداشت عمومی نخستین وظیفه دولت مردان است. از این‌گونه

نوشته‌ها در تاریخ حقوق عمومی و سیاست چندان فراوان است که امروز همه این عرف پا گرفته را محترم می‌دارند و تردیدی نیست که دولت مسئول حفظ سلامت عمومی و مبارزه با تهدیدهای داخلی و خارجی است.^۱

مسئله نظارت بر تولید فرآورده‌های توتون نمایش‌گر مثالی است که چگونه حربه قانون می‌تواند در راه حفظ سلامت عمومی به کار رود. این‌گونه قوانین پیشینه‌ای درازمدت دارد. قانون‌گذاران و سایر مقام‌های صالح برای وضع قانون از قرن‌ها پیش در این زمینه اقدام کرده‌اند: کلیسای روسیه در سده‌های پیشین کشیدن توتون را به عنوان امری پلید و مایه نکبت منع کرد. در سده هفدهم حکمرانان در بسیاری از کشورها مجازات‌های شکنجه و تبعید و اعدام را برای استعمال‌کنندگان توتون معین کردند. در ۱۷۸۹ میلند قانون منع صدور توتون غیر قابل داد و ستد را مقرر داشت.

در قرن نوزدهم، شهرهای مختلف آمریکا سیگار کشیدن را به عنوان امری منافی اخلاق، که باعث خطر آتش‌سوزی می‌شود، تلقی می‌کردند. در ۱۹۰۹ ایالت واشنگتن مالکیت و تصرف سیگار را محدود ساخت. بعضی از مدارس آمریکایی از استخدام معلمان سیگاری خودداری کردند و ایالت فلوریدا، اقناع و توصیه و تشویق نابالغان را به کشیدن سیگار خلاف قانون شمرد (Hoge and Eber, 2004, P19)

این وقایع مربوط به زمانی است که هنوز ارتباط سیگار با صدمات ناشی از آن برای سلامت اشخاص احراز نشده بود. دخالت جدی قانون‌گذاران در منع استعمال توتون از زمانی آغاز می‌شود که نتایج وخیم سیگار کشیدن اثبات و آشکار شد. از این پس قانون‌گذاری کلید برنامه‌های نظارت و محدود ساختن این پدیده پلید گشت:

سازمان بهداشت جهانی (WHO) و کمیته تخصصی کارشناس نظارت بر سیگار در کشورهای پیشرفته اعلام کرد که برنامه‌های نظارت و محدود ساختن استعمال سیگار، جز با دخالت قوانین محدودکننده و اجباری، تحقق نمی‌پذیرد.

^۲ - در ایالات متحده، حفظ سلامت عمومی یکی از ده وظیفه اصلی حکومت در قرن بیستم است. امروز این یک روش و قاعده بین‌المللی است که هنگام به خطر افتادن سلامت عمومی، از حربه قانون‌گذاری استفاده شود.

در سال ۱۹۹۳ آفریقای جنوبی ضمن قانونی به نام «نظارت بر محصولات توتون»^۱ فروش آن را به کودکان زیر شانزده سال ممنوع ساخت و برای سیگار کشیدن در محل‌های عمومی مقرراتی وضع کرد و تبلیغ برای این‌گونه محصولات را محدود ساخت، این قانون گام مهمی به سوی کنترل توتون محسوب می‌شد. در ۱۹۹۹ حکومت قانونی مقرر داشت که سیگار کشیدن در محل‌های عمومی ممنوع است. همچنین، به طور کامل تبلیغ برای سیگار کشیدن ممنوع شد. قانون به وزیر بهداشت اختیار داد میزان جرم توتون و نیکوتین مجاز در هر محصول را معین کند.

در نروژ، بند ۱۲ از مقررات بهداشتی ۱۹۵۵ از تولیدکنندگان سیگار می‌خواهد که جرم نیکوتین و قیر را به طور خوانا در پشت جلد هر پاکت سیگار چاپ کنند تا هشدار برای مصرف‌کنندگان باشد. در هند، با این که اصول قانون اساسی به دشواری می‌تواند منبع و مستند کنترل سیگار قرار گیرد، دادگاه عالی کرالا (Kerala) با مدعی در اعلام این قضیه هم داستان شد که نتایج ناگوار بهداشتی سیگار کشیدن اباحه استعمال آن را با حق حیات پیش‌بینی شده در قانون اساسی مخالف و در تعارض می‌کند. (Ibid.P.23) دادگاه دستور داد که سیگار کشیدن در اماکن عمومی ممنوع است و متجاوز به عنوان اضرار به منافع عمومی (Nuisance) تعقیب می‌شود. دیوان عالی هند در ۲۰۰۱ این نظر را تأیید کرد.

در سال ۲۰۰۱ در ایالت ماساچوست، مقرره‌ای تبلیغ سیگار را نزدیک مدارس و زمین‌های بازی مخالف حق آزادی بیان اعلام شده در قانون اساسی دانست. در بسیاری از کشورها، از جمله ایالات متحده و نیوزلند و کانادا و آفریقای جنوبی، فروش محصولات توتون به اشخاص کمتر از ۱۶ سال ممنوع است. در ۴۶ ایالت آمریکا، حداقل سن خرید سیگار ۱۸ سال و در آلاباما و آلاسکا و نیوجرسی و یوتا سن قانونی خرید ۱۹ سال معین شده است.

به موجب ماده ۲۰۵۰ قانون مدنی ایتالیا، کسی که به فعالیت‌های خطرناک ذاتی دست می‌زند، مسؤول ضررهای ناشی از آن است (Strict) مگر این که ثابت کند همه

¹ - Tobacco Products Control Act.

تمهیدهای لازم برای پرهیز از ورود ضرر را به کار بسته است. بعضی از محاکم این قاعده را درباره تولید محصول خطرناک رعایت می‌کنند: توزیع فرآورده‌های خونی و مواد شیمیایی اعتیادآور از این‌گونه است.

در مقاله‌ای که فرانسیسکا رولا (Francesca Rolla)، در مجله بین‌المللی راهنمای حقوق تطبیقی (GLG) در ۲۰۵۰ نگاشته است، اعلام می‌کند که به تازگی ماده ۲۰۵۰ در مورد فرآورده‌های توتون نیز رعایت می‌شود و در موردی که کار تولیدکنندگان سیگار فعالیت خطرناک شناخته می‌شود، آنها را مسؤول می‌شمارند، مگر این که ثابت کنند همه تمهیدهای لازم برای پرهیز از خطر را به کار گرفته‌اند.

این نویسنده می‌افزاید: از لحاظ نظری ماده ۲۰۵۰ ق.م. مربوط به تولید و مسئولیت ناشی از آن نیست، مگر اینکه قانون آن را خطرناک بداند یا چنین تلقی شود که تولید سیگار بذاته خطرآفرین است، هرچند درست به کار گرفته شود. هم‌چنین، در ایتالیا هنوز به اتفاق نرسیده‌اند که آیا ماده ۲۰۵۰ با مقررات مربوط به مسئولیت ناشی از محصول در تعارض است یا در این مورد نیز قابل اجرا است. (Rolla, 2005)

بدین ترتیب، ملاحظه می‌شود که، با وجود اعمال نفوذهای غول‌های تولیدکننده، مبارزه با سیگار به صورت یکی از اصول مهم قانون‌گذاری در عصر حاضر در آمده است. منتها، این نهضت جهانی به آرامی و در نتیجه برخورد با موانع اجتماعی و اقتصادی و حقوقی به آرامی در حال پیشروی و گسترش است تا به منع کامل تولید توتون بینجامد.

۳. توصیه مجمع بهداشت جهانی

در سال ۱۹۸۶ مجمع بهداشت جهانی (WHA)^۱، در ۹ بند محدودیت‌هایی را برای فرآورده‌های توتون بدین شرح پیشنهاد کرد:

۱. افزایش پرهیز از استعمال توتون.
۲. حمایت از غیر سیگاریان در برابر محیط آلوده به سیگار.

¹ - World Healty Assembly

۳. افزایش مراقبت از سلامت و زندگی بی‌سیگار.
 ۴. حذف عوامل اجتماعی و اقتصادی و رفتاری تشویق‌کننده در کشیدن سیگار.
 ۵. هشدارهای مشخص و چشمگیر بهداشتی.
 ۶. اجرای تعلیمات عمومی و برنامه‌های ترک سیگار و اعتیاد.
 ۷. مراقبت کامل از شیاع استعمال سیگار و بیماری ناشی از آن.
 ۸. رشد جایگزین‌های تولید و تجارت و مالیات توتون.
 ۹. ایجاد کانون‌های ملی به منظور هماهنگ ساختن اقدامات نظارتی.
- مجمع بهداشت جهانی، به ویژه از کشورهای عضو می‌خواهد که، با وضع قوانین در زمینه هدف‌های اعلام شده، بر نظارت خود بر دخانیات، سیاست‌های لازم را اتخاذ کنند.

کشورهای استرالیا، فرانسه، زلاندنو، سوئد و تایلند در زمره نخستین کشورهای بوده‌اند که سیاست‌های ۹ گانه را پذیرفته‌اند و قوانینی را در این زمینه تصویب کرده‌اند. در ۲۸ فوریه ۲۰۰۵ عهدنامه قرارداد بین‌المللی درباره کنترل توتون به تصویب رسید (WHO) که نخستین قرارداد بین‌المللی در این زمینه است و کشورهای آن را امضاء کرده‌اند متعهد شده‌اند که استعمال دخانیات را در محل‌های عمومی محدود سازند. (Hoge and Eber, 2004, P.19)

ایران خیلی دیر و به کندی بدین کاروان مبارزه پیوست: در سال ۱۳۷۰ مجلس شورای اسلامی طرحی را با عنوان «طرح نحوه کاهش و حذف تدریجی استعمال دخانیات» تصویب کرد که به دلیل مخالفت شورای نگهبان به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارجاع شد. این مجمع ضمن تأیید نظر شورای نگهبان به دولت پیشنهاد کرد که در زمینه کاهش استعمال دخانیات اقدام کند. هیأت وزیران در ۱۳۷۳ طرح چگونگی کاهش استعمال دخانیات را تصویب کرد. این طرح شامل اقدام‌های فرهنگی، مانند منع تشویق به استعمال دخانیات و لزوم هشدارهای بهداشتی در قوطی‌های سیگار است و توجهی به مسؤولیت ناشی از تولید توتون ندارد. مهم‌ترین اقدام حکومت «لایحه کنترل دخانیات» مصوب ۱۳۸۴/۳/۲۲ هیأت وزیران است که به مجلس تقدیم شده و با عنوان

«قانون جامع کنترل و مبارزه با دخانیات» در تاریخ ۱۳۸۵/۶/۱۵ به تصویب نهانی رسیده است.

در ماده یک این قانون آمده است: «به منظور برنامه‌ریزی برای مبارزه با مصرف مواد دخانی و حفظ سلامت عمومی، ستاد کشوری کنترل و مبارزه با دخانیات که در این قانون به اختصار «ستاد» نامیده می‌شود. با ترکیب زیر تشکیل می‌شود:

- وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به عنوان (رئیس ستاد)
- وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی
- وزیر آموزش و پرورش
- وزیر بازرگانی
- فرمانده نیروی انتظامی
- دو نفر از کمیسیون بهداشت و درمان مجلس شورای اسلامی به عنوان ناظر
- رئیس سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی به عنوان ناظر
- نماینده یکی از سازمان‌های غیردولتی مرتبط با دخانیات به انتخاب وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی

این ستاد وظیفه تدوین آئین‌نامه اجرایی و تعیین برنامه‌های آموزشی و بهداشتی را به عهده دارد. مصوبات این ستاد پس از تایید رئیس‌جمهور قابل اجرا است. به اضافه، در طرح پیشنهاد شده تمهیدهای گوناگونی برای کاهش استعمال دخانیات پیش‌بینی شده است: مانند منع استعمال سیگار و سایر مواد دخانی در اماکن عمومی مسقف و وسایل نقلیه عمومی و محل کار: منع فروش مواد دخانی به اشخاص کمتر از ۱۸ سال و به واسطه آنها، الزام تولیدکنندگان داخلی و واردکنندگان به اعلان آثار سوءاستعمال دخانیات و فهرست مواد تشکیل‌دهنده آن، منع ثبت نام و علامت تجارتي محصولات دخانی برای سایر محصولات، محدود ساختن محل‌های فروش مواد دخانی.

این تمهیدها به وسیله اعمال مجازات‌هایی تضمین شده است. ولی در این لایحه نیز سخنی از مسئولیت تولیدکننده در برابر مصرف‌کننده در میان نیست و موضوع به قواعد عمومی واگذار شده است.

۴. موضع و نقش رویه قضایی:

برای دیدن سهم رویه قضایی در نبرد با سیگار، به تحول این منبع متحرک در ایالات متحده می‌پردازیم. انتخاب آمریکا بدین سبب است که در آن نظام قضایی تنها مجری قانون نیست؛ در پاره‌ای موارد قانون‌گذار نیز هست و طبیعی است که بر تحرک تر ظاهر می‌شود، به ویژه که محافظه‌کاری دادرسان انگلیسی را ندارد و در ترجیح مصلحت‌ها بر سنت‌ها تردید نمی‌کند.

گفته شد که قانون هشدار خطر در برچسب‌های سیگار در رویه قضایی آمریکا چنین تعبیر شد که: (۱) اجرای این تکلیف تولیدکننده را از مسؤولیت پیامدهای سیگار کشیدن معاف می‌کند و (۲) ایالت‌ها حق ندارند عبارت یا هشدار بیشتری را بر عرضه‌کنندگان تحمیل کنند؛ وضع نامطلوبی که درست در جهت مخالف هدف قانون بود. ولی، این موقع رویه قضایی دیری نپایید و دادگاه‌ها به تدریج با تحول اندیشه‌ها همگام شدند: رأی مورخ ۱۹۹۲ دیوان عالی فدرال دریچه تازه‌ای به سود عدالت گشود. در این رأی اعلام شد: ۱- قانون فدرال در موارد هشدار ضروری به مصرف‌کننده مانع از وضع قوانین ایالتی در ضرورت هشدار اضافی نیست؛ ۲- هشدار قانون فدرال و اجرای آن مانع از پذیرش تمام دعاوی خسارت از سوی زیان‌دیدگان نمی‌شود.

از سوی دیگر، دادگاه استیناف فیلادلفیا در ۱۹۸۶ اعلام کرد که تولیدکننده نمی‌تواند به بهانه هشدار اجباری قانون فدرال، اطلاعات خود را در مورد زیان‌های سیگار کشیدن پنهان نگاه دارد و وظیفه دارد آنچه را به زیان مصرف‌کنندگان می‌داند به او گوشزد کند. این وظیفه روزنه‌ای به سود قربانی گشود تا او بتواند، با اثبات خطرهای بهداشتی سیگار، تولیدکننده را به دلیل نقص هشدار تعقیب کند و از او خسارت بگیرد. همچنین، این دفاع را که هشدار ضروری در قانون فدرال مانع خسارت خواستن است بی‌اثر ساخت (Emanuel, 2005, P.363) و نشان داد که وجدان قضایی از آنچه رخ داده راضی نیست و در آستانه حق‌گزاری قرار گرفته است.

در آخرین تحول، قاضی دادگاه می‌سی‌سی‌پی اعلام کرد که سیگار محصولی معیب

و خطرناک است^۱ چرا که استعمال آن سبب بیماری می‌شود.^۲ جان اولسون، اظهار امیدواری می‌کند که اگر این استدلال از سوی رویه قضایی پذیرفته شود، دیگر دعاوی قربانیان سیگار محدود به اثبات تقصیر نمی‌ماند و شرکت‌های تولیدکننده سیگار مسئول مرگ سالیانه ۴۳۵۰۰۰ تن آمریکایی می‌شوند. ولی، تا زمانی که این آرزو تحقق نیافته است، دعاوی خسارت بر تولیدکنندگان سیگار در صورتی به نتیجه می‌رسد که مدعی بتواند تقصیری در طرح و ساخت سیگار یا هشدارها به خواننده نسبت دهد، هرچند پاره‌ای از نظریه‌ها به مسئولیت محض تولیدکننده تمایل دارد.

۵. تقصیر نقص هشدارها:

چنانکه اشاره شد، مسئولیت محض تولیدکننده تاکنون هیچ‌گاه تولیدکنندگان سیگار را به طور جدی نیاززده است. ولی، دعاوی مربوط به نقص هشدارها خطر بیشتری برای این صنعت تولید به وجود آورده است. یادآور شدیم که در آغاز الزام قانونی مربوط به این هشدار نتیجه مطلوبی به بار نیاورد و برعکس از آن سوءاستفاده شد که، دیگر معتادان معترض نمی‌توانند بگویند: اگر می‌دانستیم چه خطری ما را تهدید می‌کند، خود را آلوده به این اعتیاد نمی‌کردیم. ولی، این دفاع نتوانست سوداگران را در رویارویی با قربانیان خود حفظ کند.

با وجود این، اکثریت قاطع دادگاه‌ها اعلام کردند که تولیدکننده مسئولیتی در برابر خطرهای ناشناخته و غیر قابل شناخت ندارد:^۳ بدین بیان که، اگر خواننده نشان دهد که از خطر آگاه نبوده است و با مراقبت‌های متعارف نیز از آن آگاه نمی‌شده، دادگاه او را از جهت نقص هشدار مقصر نمی‌شناسد و محکوم به خسارت نمی‌کند.^۴

از این رویه، دو نتیجه مهم گرفته می‌شود که کمتر مورد توجه واقع شده است:

^۱ - Deffective and Unreasonably dangeress

^۲ - Mississippi Judge (Issues ruling favorable to plaintiffs in Tobacco litigation): Tim 24 May, 1993: 29.

^۳ - Unknown and Unknowable danger.

^۴ - چنین مسئولیتی را مولفان آمریکایی «فرا تر از محض» (Superstrict) می‌نامند:

Steven L. Emanuel, Torts 2005, page 366. F.

۱. مسؤولیت از عامل مهم تقصیر جدا نشده است تا چهره اخلاقی خود را از دست ندهد. بنابراین، در فرضی که احراز شود خواننده آگاه از خطر نبوده و در راه دستیابی به واقع نیز کوتاهی نکرده است، مسؤولیتی ندارد.

۲. فرض بر این است که تولیدکننده حرفه‌ای یا از خطرهای آگاه است یا در راه شناخت واقع کوتاهی کرده است. به همین جهت، او باید خلاف این فرض را ثابت کند، وگرنه مقصر فرض می‌شود.

بدین ترتیب، هم مفهوم تقصیر از مسؤولیت زدوده نمی‌شود و هم اماره امکان آگاهی دشواری اثبات تقصیر را از بین می‌برد و بار اثبات خلاف را بر دوش سوداگر می‌نهد. بیانیه سوم مسولیت مدنی^۱ نیز با این رویه موافقت کرد که تولیدکننده تکلیفی در اعلام خطرهای ناشناخته و غیر قابل شناخت ندارد.

در تفسیر و توضیح این قاعده افزوده شده است که، در دعوی ناشناخته بودن خطرهای، خواهان باید ثابت کند که خواننده خطر را می‌شناخته یا با مواظبت معقول می‌بایستی آن را می‌شناخت. به بیان دیگر، مدعی شناخت یا قابلیت شناخت خطر باید آن را ثابت کند، ولی خطرهای پیش‌بینی نشده، مانند واکنش ویژه بدن قربانی به دارو و سیگار را نباید در زمره خطرهای ضمان‌آور شمرد (بند ۳ ط، مسؤولیت ناشی از عیب محصول، فصل ۲، توضیح در (Ibid.P.366)

از سوی دیگر، کافی نیست که تولیدکننده ثابت کند که از خطر آگاه نبوده است. اگر ثابت شود که با آزمایشی معقول می‌توانسته است آن را دریابد، مسؤول است و بی‌اطلاعی او از عیب مانع از این ضمان نمی‌شود.

در مورد انجام آزمایش‌های لازم، عنوان مدعی علیه به تناسب مطلب طرح شده تفاوت می‌کند.

طراحی برای پرهیز از عیب غیر قابل شناخت نیز در زمره تکالیف تولیدکننده نیست و نقص طراحی محسوب نمی‌شود (Ibid.P.367)

برعکس، استثنایی بودن وقوع خطر و شمار اندک قربانیان در معرض خطر، مانع

¹ -Restatement III of Torts

مسئولیت نمی‌شود. زیرا هشدار برای آن گروه ناقص است و اگر تولیدکننده بداند مسئول است (Ibid.P.368)

۶. مسئولیت محض:

نظر دیگری که در آمریکا مطرح شده و طرفدارانی نیز پیدا کرده است، چنین خلاصه می‌شود که مسئولیت محض تولیدکننده سیگار، قطع نظر از عیب طرح و ساخت، پذیرفته شود، چرا که سبب خطر نامتعارف و شدید برای مصرف‌کننده می‌شود و نباید آن را محدود به مواردی ساخت که در طرح و تولید کالا عیبی وجود دارد. به بیان دیگر، کالای خطرناک و ضمان‌آور، اعم است از کالایی که برحسب ذات خود زیان‌بار است یا در نتیجه عیبی در تولید خطرناک شده است: یعنی، وصف خطرناک ناظر به خود کالا است نه عیب آن.

در توجیه این راه‌حل گفته شده است که، با این فرض که پنجاه درصد از سیگاریان بیمار می‌شوند، عادلانه‌تر این است که، به جای تحمیل ضرر بر این پنجاه درصد، ترتیبی اتخاذ شود که همه منتفعان از این محصول بار سنگین خطر را به دوش کشند و عوارض زیادتری بپردازند تا از آن محل خسارت جبران شود. وسیله این توزیع عادلانه این است که ضمان برعهده تولیدکننده قرار گیرد و او هزینه همه این خسارت را بر بهای کالا بیفزاید (Sogerman,P.4)

ولی، این راه‌حل از نظر اصولی این عیب بزرگ را دارد که قابل تعمیم به سایر کالاها و کارهای خطرناک نیست: به عنوان مثال، نمی‌توان گفت کارخانه‌های ماشین‌سازی هزینه‌های تصادم خودروها را بپردازند، چرا که اتومبیل کم‌خطرتر به بازار نیاورده‌اند. وانگهی، این اقدام باعث بالاتر رفتن هزینه‌های زندگی می‌شود. به همین جهت، پیشنهاد هوارد لاتن (Latin) که پانزده سال پیش در این زمینه ارائه شد، مورد استقبال قرار نگرفت.

توجیه دیگری که برای مسئولیت محض گفته می‌شود این است که بیم از مسئولیت‌های سنگین باعث می‌شود تا تولیدکنندگان سیگارهای ایمن‌تر و با

اعتیادآوری کمتری به بازار عرضه کنند. این نتیجه‌گیری نیز، هرچند از لحاظ نظری درست می‌نماید، در عمل چنین نیست و گاه اثر معکوس به بار می‌آورد. زیرا بر فرض که سیگار بی‌خطر تهیه شود و به بازار بیاید، تولیدکنندگان به سختی می‌پذیرند که سیگاری عرضه کنند که اعتیادآور نباشد. در این صورت، مصرف سیگار افزایش می‌یابد. زیرا، سیگار مانند سایر مواد مخدر نیست: شخص معتاد می‌تواند، در همان حال که کار می‌کند و به خانواده می‌رسد و مشاغل سیاسی دارد، سیگار هم بکشد و استعمال آن را پنهان ندارد، در حالی که اعتیاد به سایر مواد مخدر، مانند هروئین و تریاک، یا مانع از فعالیت‌های اجتماعی است یا دست‌کم، به دلیل کراهت عموم و نیاز به وقت بیشتر، از میزان فعالیت‌های مفید می‌کاهد.

وانگهی، عرضه سیگار بی‌خطر برای تولیدکنندگان این خطر جدی را مطرح می‌سازد که در دعاوی قربانیان پیشین این محصول دچار مشکل شوند. زیرا، به بازار آمدن سیگار بی‌خطر نشان می‌دهد که اینان قادر به رفع ضرر سیگار بوده‌اند و برای سودپرستی یا صرفه‌جویی در هزینه‌ها از این کار طفره رفته‌اند؛ تقصیری که اثبات آن باعث محکوم شدن در میلیاردها ادعای خسارت می‌شود. (in Ibid.P.18)

۷- دعاوی جمعی و دولتی:

دیدیم که دعاوی فردی بر تولیدکنندگان سیگار با توفیق چندانی رو به رو نبوده است. ولی خطر دعاوی جمعی (Class Action) که گروهی نامحصور از معتادان هم‌سنخ طرح می‌کنند و هر یک نماینده دیگران در همان گروه محسوب می‌شود، (Black's Law Dictionary 6th ed. Class or representative Action.) و در نتیجه می‌تواند از نتیجه رأی مستفید شود، به ویژه دعاوی که به وسیله مقام عمومی طرح می‌شود و میلیون‌ها دلار موضوع آن است، برای شرکت‌های تولیدکننده خطر جدی است.

آمارها نشان می‌دهد که سالیانه بلیون‌ها دلار هزینه درمان بیمارانی می‌شود که از اعتیاد به سیگار آسیب دیده‌اند. این هزینه‌ها را دولت می‌پردازد و مسؤول آن را تولیدکننده می‌شناسد و از آنان مطالبه می‌کند. افکار عمومی نیز با پذیرفته شدن دعاوی

عمومی موافق است، چرا که عادلانه نیست سود تجارت سیگار را تولیدکننده ببرد و هزینه آن را تمام مردم بپردازند. (Mead, 1996, P. 113) پس، این فکر تقویت می‌شود که، هر که سود کاری را می‌برد، غرامت آن را باید تحمل کند (من له الغنم فعليه الغرم).

یکی از مبانی شایع این‌گونه دعاوی نیز قاعده «استفاده بی‌جهت» است که با قاعده «تحلیل غرامت بر مستفید» قرابت دارد. با وجود این، بعضی از نویسندگان حقوقی چنین مبنایی را برای دعاوی خسارت کافی نمی‌بینند و دعاوی دادستان را در این زمینه منطقی نمی‌دانند (رک. استیفن شوگرمن، همان، ص ۹ اعلامیه Restatement حقوق استرداد Restitutions، فصل ۱، تفسیر و توضیح c.b.a.)

مبنای دیگری که در پاره‌ای از دعاوی عنوان شده قائم‌مقامی (Subrogation) دولت از معتادان به سیگار است. براین مبنا، قربانی اصلی کسانی هستند که از سیگار کشیدن صدمه دیده‌اند و دولت با نمایندگی دادستان، به قائم‌مقامی زیان‌دیده طرح دعوا می‌کند. ولی، دادستان‌ها اعلام می‌کنند که آنان نمی‌بایست ارکان دعاوی اصلی، مانند نقص هشدار یا رابطه سببیت فعل خواننده و زیان را اثبات کنند و این اعلام با مبنای قائم‌مقامی سازگار نیست.

بی‌گمان تخلف از قوانین بهداشتی و عرف عرضه با حسن‌نیت کالاها، از جمله قوانین حمایت از مصرف‌کننده، باعث می‌شود تا تولیدکنندگان، مجرم یا متخلف محسوب شوند و به غرامت‌های پیش‌بینی شده در قوانین محکوم شوند. ولی، این شبهه وجود دارد که آیا چنین تخلفاتی سبب می‌شود که ضمان بلیون‌ها زیانی که در نتیجه سیگار کشیدن به اشخاص به بار می‌آید، بر عهده تولیدکننده قرار گیرد (Sugerman, P. 9). به همین جهت، دادستان‌ها بر هزینه‌هایی که، در نتیجه تخلف تولیدکننده برای درمان بیماران متحمل می‌شوند و در برابر دیناری از کارخانه نمی‌گیرند تکیه می‌کنند.

در چنین وضعی که عدالت و اخلاق به زیان تولیدکننده داوری می‌کند، کمبود مبنای نظری توجیه‌کننده دعوا خطر محکوم شدن در آن را دفع نمی‌کند زیرا طرف دعوا (خواهان، دولت محلی و هیأت منصفه) از مردم همان محل است و معلوم نیست که نتیجه رأی تابع قواعد باشد و عوامل اجتماعی و اقتصادی در آن اثر نکند.

۸. تحول آخرین سال‌های قرن بیستم:

در آخرین سال‌های قرن بیستم، حقوق مسئولیت مدنی درباره ضمان ناشی از اعتیاد به سیگار تحولی چشمگیر یافت و گام مؤثری در راه مبارزه با این کالای زیان‌بار برداشت: در سال ۱۹۹۵، کلینتون رئیس‌جمهور آمریکا اعلام کرد که کاستن از استعمال دخانیات، به ویژه در مورد جوانان، در اولویت برنامه‌های اداری دولت او است. در پیرو همین سیاست، سازمان نظارت بر تغذیه و دارو (F.D.A) مقرراتی برای محدود ساختن فروش و توزیع و تبلیغ توتون در مورد نوجوانان وضع کرد. بر طبق این مقررات و به عنوان مبنای صلاحیت خود، نیکوتین را دارو (Drug) و سیگار را وسیله حمل این ماده تلقی کرد: (August, 28, 1996) مجله حقوقی هاروارد، (۳۵۹).

در واکنش به این مقررات، جمعی از تولیدکنندگان سیگار بر سازمان F.D.A در دادگاه کارولینای شمالی طرح دعوا کردند و ارزش قواعد وضع شده را به چالش کشیدند. ایرادهای شرکت‌های خواهان را در دو نکته می‌توان خلاصه کرد: (۱) سازمان نظارت حق وضع چنین مقرراتی را نداشته است (۲) آنچه وضع شده است با قانون اصلاح شده تعارض دارد. دادگاه ابتدایی چنین نظر داد که کنگره اراده خود را در محدود ساختن صلاحیت (F.D.A) بیان نکرده است. و در نتیجه، ایرادی به صلاحیت آن سازمان وارد نیست و قواعد وضع شده نیز مخالفتی با قانون ندارد.

این رأی، از جهت شمول واژه دارو بر سیگار در دادگاه بالاتر مورد انتقاد قرار گرفت و سرانجام دیوان عالی (F.D.A) را برای وضع نظامات خرید و فروش سیگار صالح ندانست. ولی بعضی از قضات دیوان عالی، از جمله Breyers با آن مخالفت کردند (114 Havard Law Review 359-63).

ایراد چنین خلاصه می‌شد که در قانون واژه (Drug) را نباید به معنای ادبی آن حمل کرد. دارو به معنی اصطلاحی که در قانون آمده ماده‌ای است بی‌ضرر و مؤثر که در درمان بیماری‌ها مصرف دارد و سیگار و نیکوتین از این قبیل نیست. بنابراین، قانونی که صلاحیت وضع مقرر را به سازمان نظارت دارو و اغذیه اعطا کرده است شامل سیگار نمی‌شود. از سوی دیگر، سکوت قانون به معنی ارجاع موضوع سیگار به قوانین ویژه آن

است نه بقاء یا اعطا صلاحیت به سازمان. با وجود این، تولیدکنندگان سیگار برای جبران خسارت سازمان‌های تأمین اجتماعی در مورد هزینه‌های درمان سیگاریان حاضر شدند مبلغ ۲۴۶ میلیون دلار بپردازند تا دعاوی آنان خاتمه پذیرد (۱۹۹۸). علاوه بر این، نخستین دعوا را با صدور رأی هیأت منصفه دادگاه کالیفرنیا به مبلغ ۵۱/۵ میلیون دلار به سود معتادی که مبتلا به سرطان زبان شده بود، از دست دادند و محکوم شدند تا مسئولیت آن را بر عهده گیرند. یک ماه بعد هیأت منصفه دادگاه اورگان رأی به پرداخت ۸۰/۳ میلیون دلار به سود ترکه یکی از قربانیان سیگار داد (Ibid.p.4). در سال ۲۰۰۰ نیز آرای به دادن خسارت و ۱۴۵ میلیون خسارت تنبیهی به زیان تولیدکنندگان صادر شد.^۱

این‌گونه آراء خطر جدی برای تولیدکنندگان سیگار به وجود آورد و تهدیدی برای وجود و بقای آنها شد.

نتیجه:

از آنچه در این زمینه گفته شد، دو نتیجه مهم گرفته می‌شود که باید مورد توجه قرار گیرد:

۱. در جهان کنونی، همبستگی اجتماعی و اشتراک هدف و سرنوشت میان اعضای جامعه، قاعده اقدام را محدود می‌سازد و نظم عمومی حاکم بر آن است: بدین معنی که، دولت نمی‌تواند، به بهانه تمایل و اراده شهروندان، آنان را به حال خود واگذارد تا طعمه سوداگران یا آسیب‌های اجتماعی شوند. جامعه در تأمین سلامت و بهداشت عمومی نفع مستقیم دارد و دولت موظف به حمایت از قربانیان بی‌گناه در برابر سودجویی زیان‌بار زورمندان است.

۲. مبارزه با آفتی همانند سیگار، نیاز به عزم ملی و همه جانبه دارد: کیفر خطاکاران و الزام‌های حقوقی تنها در کنار تمهیدهای اجتماعی و اقتصادی کارگزار است و سلاح زور به عنوان «بد ضروری» در این مبارزه به کار گرفته می‌شود. مهم این است که

¹ - Engle V. R. J. Reynold Tobacco co.

فرهنگ عمومی به مقابله با اشتیاق جوانان و سستی معتادان پردازد و قانون‌گذاری تنها یکی از منابع ناچیز تکوین این فرهنگ است.

۳. با احراز نامتعارف بودن خطر استعمال توتون، رابطه سببیت میان تولید و صدمه‌های وارد به بیماران محقق می‌شود. وانگهی، انسانی عاقل و محتاط کالایی چنین خطرناک را به بازار عرضه نمی‌کند. پس، دادگاه می‌تواند خسارات ناشی از این محصول را به تقصیر تولیدکننده منسوب کند، هر چند که قانون نیز به مسؤولیت محض در این باره تصمیم نگیرد و موضوع را تابع قواعد عمومی سازد.

مهم‌ترین مانع این مسؤولیت، اجازه دولت و تصدی در عرضه و تولید این کانون پلیدی‌ها است. ولی، رویه قضایی می‌تواند، با تکیه بر اصل ۵۰ قانون اساسی، بر این مانع نیز فائق آید و تولیدکننده را مسؤول شناسد. در این اصل می‌خوانیم:

«در جمهوری اسلامی، حفاظت محیط زیست که نسل امروز و نسل‌های بعد باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشد، وظیفه عمومی تلقی می‌گردد. از این رو فعالیت‌های اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیرقابل جبران آن ملازمه پیدا کند ممنوع است.»

منابع و مأخذ:

انگلیسی

- 1- Emanuel (Steven L.) The Emanuel law outlines series, torts, 7th Edition, 2005.
- 2-Franklin (Marc A.) and Rabin (Robert I.) Tort Law and alternatives, Cases and Materials. 6th Edition, university case book series.
- 3- Harvard law Review 114, 359, The supreme court 1999 term, Leading cases.
- 4- Haugh (Thomas H) and Cline (Erin), Les Angeles Times, June 28, 2006.
- 5- Hodge (James G.) and Eber (Gabriel B.) American Society of Law, Medicine and Ethics, Journal of Law, Fall 2004.
- 6- Meade (Karen E), "Breaking Through the Tobacco Industry's Smoke Screen: State Law suits for Reimbursement of Legal Medicine 113 (1996).
- 7- Olsson (Johan), Product Liability in the Tobacco Industry. A Contemporary Issue, 1994.
- 8- Prosser and Keeton on Torts, 5th Edition with Dan B. Dobbs, Robert E Keeton, David G. Bwen.
- 9- Roll (Francesca). The International Comparative Legal Guide to Product Liability 2005, Italy. GL.G

10- Sugerman (Stephen D.). The Smoking war and the role of Tort Law.

از این نویسنده تاکنون مقالات زیر در همین مجله منتشر شده است:

- «مسئولیت دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی»، شماره ۱۸، سال ۵۴؛ «نقش قراردادهای خصوصی در نکاح»، شماره ۲۰، سال ۵۶؛ «سوءاستفاده از حق یا تقصیر در اجرای حق»، شماره ۲۱، سال ۵۸؛ «استصحاب حکومت یقین بر شک»، شماره ۲۲، سال ۶۰؛ «مبنای حقوقی انفساخ عقد جایز در اثر مرگ و حجر یکی از دو طرف»، شماره ۲۵، سال ۶۹؛ «وضع حقوقی بنا و درخت احداث شده به وسیله خریدار»، شماره ۲۸، سال ۷۱؛ «جایگاه حقوق اسلامی در نظم حقوقی»، سال ۷۶، شماره ۳۶ - «معمای تجدیدنظر در احکام و تعارض نیروهای اجتماعی»، سال ۷۶ - شماره ۳۷ - «ارزش سنت و جذبۀ عدالت در توارث همسران»، سال ۷۷، شماره ۳۹ - «حاصل جبران خسارت در نظام حقوقی آمریکا»، سال ۷۷، شماره ۴۱ - «خطای ورزشی و مسئولیت ورزشی»، سال ۷۸، شماره ۴۳ - «نقدی تحلیلی بر قانون روابط موجر و مستأجر مصوب ۲۶ مرداد ۱۳۷۶»، سال ۷۸، شماره ۴۵ - «تحول نهاد وقف و دورنمای آینده آن»، سال ۷۹، شماره ۴۸ - «نقد قانون‌گرایی افراطی»، سال ۷۹، شماره ۴۹ - «ستایش قرارداد، یا اداره قرارداد»، سال ۸۰، شماره ۵۲ - «کارشناسی؛ علم و تجربه در خدمت عدالت»، سال ۸۲، شماره ۶۲، «ماهیت و اثر اماره حقوقی»، سال ۸۳، شماره ۶۴، «یأس از اثبات و اصل برائت»، سال ۸۳، شماره ۶۶ - «حمایت از زیان‌دیده و مسئولیت تولیدکننده در حقوق فرانسه»، سال ۸۴، شماره ۶۸.